

عنوان مقاله:

نگاه تطبیقی استعفای وکیل در دادرسی مدنی و کیفری

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه اسلامی (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

ابوالفضل فرد

خلاصه مقاله:

در دنیای کنونی نهاد وکالت چه در امور مدنی و چه در امور قضایی نقش مهمی یافته است؛ به طوری که کمتر مسئله ای را میتوان سراغ گرفت که نقش نمایندگی و اعطای نیابت به غیر در آن لحاظ نشده باشد. از دیدگاه فقه اسلامی نیز وکالت از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است وکالت در لغت بیشتر به معانی حفظ و نگهداری حمایت و همراهی تفویض و واگذاری اعتماد و اطمینان و نیز تربیت و به کار رفته است عقد وکالت از دو طریق قابل انحلال است: یکی از طریق اختیاری و دیگر به صورت غیر اختیاری و قهری عزل وکیل استعفای وکیل و انجام مورد وکالت توسط، موکل از موارد انحلال اختیاری بوده و فوت جنون، حجر و اغماء موکل یا وکیل، انقضای مدت وکالت و از بین رفتن متعلق، وکالت از موارد انحلال قهری می باشد. استعفای وکیل یکی از راه های انقضای وکالت است که در ماده ۶۷۸ قانون مدنی آمده است. استعفای وکیل به موجب ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز موجب تاخیر دادرسی نخواهد شد، مگر اینکه دادگاه نیاز به توضیح وکیل داشته باشد که در این صورت به تزییی که گفته شد با لحاظ ماده ۴۳ قانون مزبور اقدام می شود. استعفای وکیل در آیین دادرسی کیفری از قواعد آیین دادرسی مدنی تعبیت می کند چرا که مواد منحصر به فردی در این خصوص در آیین دادرسی کیفری نداشته و لذا استعفا در حقوق کیفری مانند آیین دادرسی مدنی است.

کلمات کلیدی:

وکالت، استعفای وکیل، دادرسی کیفری، دادرسی مدنی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2067132>

